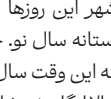




یادداشت |

## نقاشی ناتمامی که من در آن زیستم



اسعدیده علیپورا

روزنامه‌نگارا

شهر این روزها عجیب خلوت است، آن‌هم در آستانه سال نو. خیابان‌ها و مراکز خرید و بازارها که این وقت سال همیشه پر از بوق و عجله بود، حالا انگار نفسشان را حبس کرده‌اند. اینترنت هم بیشتر وقت‌ها قطع است؛ صفحه‌ها بالا نمی‌آید، پیام‌ها دیر می‌رسد و چقدر جای این رشته نامرئی بین آدم‌ها خالی است. در سکوتی که میان این قطعی‌ها می‌افتد، صداهای دیگری واضح‌تر شنیده می‌شود؛ صداهایی که سال‌ها بود آرزو داشتیم نشنویم، اما حالا جزئی از زندگی روزمره‌مان شده؛ صدای موشک.

هر بار که از دور یا نزدیک می‌آید، مثل ضربه‌ای کوتاه در سینه می‌پیچد. بعد چند ثانیه سکوت می‌شود و ذهن آدم شروع می‌کند به رفتن؛ به جاهایی که شاید بنیاد مستقیم‌ی هم به آن لحظه نداشت‌ه باشند.

دیشب بعد از یکی از همین صداها، ناگهان یاد یک انیمیشن قدیمی افتادم؛ «سامپون در سرزمین نقاشی‌ها». بچه که بودیم، از تلویزیون پیش می‌شد. پسرپچه‌ای با یک مداد ساده وارد دنیایی می‌شد که همه چیزش از خط ساخته شده بود. نقاشی‌ها ناصف بودند؛ جایی پل نبود، جایی راه قطع می‌شد، جایی دیواری سد راه می‌شد، جایی پسرپچه‌ای پا نداشت. سامپون با همان مداد چند خط می‌کشید و مشکل حل می‌شد. پلی می‌کشید، پایی، نردبانی می‌کشید، دری می‌کشید و قمه ادامه پیدا می‌کرد. ماجرا یک تخیل کودکانه ساده بود، حالا اما گاهی حس می‌کنم زندگی واقعی کاش شبیه همان نقاشی‌های ناقص بود که سامپون می‌توانست نجانش دهد.

صدای دیگری می‌آید؛ این‌بار نزدیک‌تر.

در فاصله کوتاهی که بعد از آن ایجاد می‌شود، ذهنم دوباره عقب می‌رود. به سال‌هایی که تصور می‌کردیم شاید بشود با مدادهای واقعی‌تر، چیزی از این تصویر را اصلاح کرد. سال‌هایی که به اسم اصلاحات شناخته شد؛ سال‌هایی که روزنامه‌ها بازرز شدند، گفت‌وگوها بیشتر شد، و خیلی‌ها خیال کردند شاید بتوان بدون شکستن قاب، تصویر را بهتر کرد.

آن سال‌ها خیلی‌هایمان گمان می‌کردیم مداد سامپون را داریم. فکر می‌کردیم اگر چند خط تازه کشیده شود، اگر چند تصمیم عوض شود، شاید تصویر کامل‌تر شود. روزنامه‌ها می‌نوشتند، دانشجویها بحث می‌کردند، سیاستمدارها وعده می‌دادند. در نگاه خیلی‌ها هنوز امیدی بود که می‌شد مسیر آرام‌آرام تغییر داد.

اما نقاشی انگار مدام جایی دیگر به هم می‌ریخت. یک انفجار دیگر، صدایی کوتاه و بعد لرزش خفیفی که از پنجره عبور می‌کند.

باز ذهنم عقب‌تر می‌رود. به خیابان‌هایی که در سال‌های مختلف پر از جمعیت شد. اعتراض‌هایی که هر بار با زبان تازه‌ای شکل گرفت؛ یک‌بار دانشجویها بودند، یک‌بار معلم‌ها، یک‌بار کارگرا، یک‌بار زن‌ها. هر بار آدم‌هایی آمدند که فکر می‌کردند شاید هنوز می‌شود چیزی را تغییر داد.

آن تلاش‌ها گاهی شبیه همان خط‌هایی بود که سامپون روی نقاشی می‌کشید. اما در دنیای واقعی، هر خط تازه‌ای با پاک‌کن‌های بزرگی رویه‌ور می‌شد.

این را حالا بهتر می‌شود فهمید؛ وقتی شهر ساکت و اینترنت قطع است، ساختمان‌ها ویران و کسب‌وکارها تعطیل است و صدای موشک‌ها میان این سکوت می‌پیچد.

باز صدایی می‌آید؛ این‌بار دورتر، اما سنگین‌تر.

ذهنم می‌رود به سال‌هایی که خیابان دوباره تبدیل به زبان اعتراض شد. نسل‌های تازه‌ای آمدند که دیگر چندان حوصله اصلاح خط‌های قدیمی را نداشتند. آنها می‌خواستند کل نقاشی را از نو بکشند. شعارها تغییر کرده بود، صورت مسئله هم عوض شده بود. در آن روزها خیلی‌ها هنوز امیدوار بودند شاید این‌بار تصویر کامل شود. شاید این‌بار کسی مداد او بردارد و نقص‌ها را جدی‌تر ترمیم کند. اما باز هم نقاشی نیمه‌کاره ماند.

شاید چون تاریخ مثل یک دفتر نقاشی ساده نیست. هر خطی که روی آن کشیده می‌شود، هزار خط دیگر را هم جابه‌جا می‌کند. قدرت‌ها متفاوت می‌کنند، ساختارها سخت‌تر از آن‌اند که با چند حرکت نرم تغییر کنند. صدای دیگری از دور می‌آید و چند ثانیه بعد سکوت.

در این سکوت‌ها شهر عجیب به نظر می‌رسد. مغازه‌های زودبسته، خیابان‌های کم‌رفت‌وآمد و آدم‌هایی که بیشتر از همیشه آرام حرف می‌زنند. انگار همه دارند به چیزی فکر می‌کنند که هنوز به زبان نمی‌آید.

**ادامه یادداشت را در سایت «پیام ما» بخوانید.**

## آگهی مفقودی

برگ سبز ماشین خودرو سواری – سواری پژو XU7، PARS مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید به شماره موتور2۱۰۲۱۴K1594۱۲۴K1 به شماره شاسی: ۱۴NA0NICE7MH06201۱به شماره پلاک ۱۳ ص ۸۱۱ ابرین ۷۹ به نام کاظم اوسطی مفقود شده و از درجه اعتبارساقط است.

**رودبار جنوب** |

پیام خبر |



ایرا ناری

روایتی از ویرانی و آوار ناشی از بمباران هواپیماهای اسرائیلی در یکی از شهرهای ایران

# شمعدانی‌های جنگ‌زده مادر

**۱۲ اسفندماه پاره، شمالی‌ترین و خوش‌آب‌وهواترین شهر استان کرمانشاه، روزهای پایانی زمستان سرد و برفی را می‌گذرانند. آفتاب سر ظهر هنوز قدرت بهاری پیدا نکرده، اما درخشندگی عجیبی در آ آسمان پاک و آبی بر برف‌های کوهستان ستر «شاهو» و کوه «آتشگاه» که همچون مادر و پدري مهربان شهر را در دامن خود گرفته‌اند، می‌تاباند.**



ایاسر مختاری

روزنامه‌نگارا

شهر به‌رغم شروع جنگ مانند همیشه آرام بود، بسیاری از ساکنان شهرهای دیگر به‌ویژه تهران، پایتخت جنگ‌زده، را به امید دوری از جنگ ترک کرده و به سرزمین مادری بازگشته بودند. دو شب قبل صدای چندین انفجار در اطراف شهر سکوت را شکسته بود، اما صداها دور بود و مردم آرام به خواب رفتند. روز دوشنبه سیمای مردم شهر مانند روزهای دیگر بود، ظهر شده بود و مردم طبق عادت همیشگی در این ساعات در خانه مشغول استراحت. ساعت از یک گذشت که صدای انفجاری شدید و هم‌زمان قطعی برق سکوت شهر را شکست؛ هواپیماهای اسرائیلی شهر پاره را مورد حمله قرار داده بودند. خانه‌ها به خود لرزیدند و شیشه‌ها شکستند.

صدای هر انفجاری نزدیک‌تر بود. موقعیت شهر و طراحی آن به‌گونه‌ای‌است که همانند یک اتاق آکوستیک بدون سقف عمل می‌کند، یک انفجار کوچک هم کل شهر را به لرزه درمی‌آورد، چه پرسد انفجار راکت و موشک. مردم با این صداها بی‌گانه نیستند، آنها در دوران جنگ هشت‌ساله بارها شاهد حملات مین‌گاهی عراقی و موشک‌های یعنی بودند. این انفجار اما از جنس دیگری بود؛ مهیب‌تر از هر انفجار دیگری. کپهای قارچی از دود خاکستری آسمان آبی و پاک

یادداشت |

### پیام خبر

در نگاه اول، دیگر نه محله «گولان» باقی مانده بود و نه محله «کلبان»؛ تصویری آخرازلمانی. جنگ کار خود را کرده بود. «هانا آرتز» راست می‌گفت که جنگ‌های عمر حاضر جزویرانی مطلق نتیجه‌ای ندارند. هواپیماهای اسرائیلی در روزهای آخر زمستان خانه‌های مردم را نه «تکان» که ویران کردند.

ساکنانی که در محل باقی مانده بودند، گویی از میان تلی از خاک برخاسته‌اند؛ چهره‌های شگ‌زده و گردوغبارگرفته وقتی چهره آشنایی را می‌دیدند دو پرسش را تکرار می‌کردند: «سالمی؟ خانواده همه سالم‌اند؟» ویرانی خانه‌هایشان برای آنها درمقابل جان همسایه‌ها و همشهری‌ها ارزشی نداشت؛ مهم جان بچه‌محل‌ها بود، نه محله!

خانه پدری را که دیدم، بغض گلویم را فشرده. در نگاه اول، گویی تمامی آوار انفجار بر پشت‌بام آن انباشته شده، یک تکه شیروانی قرمزرنگ بزرگ بر روی بام افتاده بود، شیروانی دیگری نیز بر روی زمین و هوا معلق شده بود و هر لحظه ممکن بود سقوط کند، اما سیم برقی آن را نگاه داشته بود. وقتی کلید را به در خانه انداختم، تازه عمق فاجعه را دیدم. در بیرون فقط شیشه‌ها شکسته بودند، اما در حیاطی که مادرم شمعدانی‌هایش را پرورش می‌داد، دیگر نه خبری از سبزی بود و نه طرواط گل‌های رنگارنگی که هر صبح مادرم مثل فرزندانش به آنها رسیدگی می‌کرد و گاه برای آنها آواز می‌خواند. به‌جای زیبایی، جنگ سراسر زشتی کاشت. تلی از خاک، شیشه، آهن‌پاره، پلاستیک و باز همان شیروانی قرمزرنگ، گلدان‌های شکسته و دیواری دودانود و خاک‌گرفته حیاط را انباشته بود.

طاقت دیدن ویرانی خانه پدری را نداشتم. به هر سختی بود پا به خانه گذاشتم، گویی شب کریستال‌های شکسته در شهرهای آلمان است؛ وقتی که رژیم نازی تازه قدرت گرفته بود. شیشه‌ها شکسته و برقالی و مبل‌ها ریخته و باد پرده‌ها را تکان می‌داد. هواپیماهای اسرائیلی حافظ خانه‌ها را شکسته و باد سرد زمستانی هم فرصت بپوش و غارت و یافته بود، دیگر شیشه و دیوارهای باقی‌نمانده که جلوی آن را سد کند. هر خانه در این محل، از خانه دیگر ویران‌تر برای برخی سقف‌بی‌روزی باقی‌نمانده بود تا «همچون بنشسته‌ها» آن را در آوارگی با خود ببرد هر جا که می‌خواهد.

هنوز حجم آوار و آندوه این حمله تمام نشده بود که دوشب بعد از آن، برق قطع شد. قطعی برق در این شب‌ها یعنی حمله و انفجاری رخ داده که تا ثانیه‌های دیگر موج آن از راه خواهد رسید. آری، دوباره هواپیماهای اسرائیلی جایی دیگر در مرکز شهر را زدند. این‌بار یک کلانتری، روز بعد همان حجم آوار و همان مردم که از خانه‌های خود آواره شدند. کسی انتظار نداشت کلانتری مورد حمله قرار گیرد، برای همین ساکنان محلات آرامگاه و سواره آتش‌نشانی به خانه‌های خود برگشتند، اما چند روز بعد دوباره این محل مورد حمله قرار گرفت. خانه‌هایی که از حمله قبل نجات یافته بودند، دیگر امکان پایداری نداشتند و آنها هم به تلی از خاک تبدیل شدند. انفجار همچون سفیر مرگ آوار را بر «میدان دف» نماد موسیقی دوستی و اصالت این ساز در میان مردم شهرانداخت.

«توماس مان»، داستان‌نویس آلمانی و برنده نوبل ادبیات در دهه‌های نخست قرن بیستم، جنگ را نوعی «تنبیه» و «تزکیه» دوست‌داران جنگ توصیف کرده بود، میوه‌فروشی که در میدان دف پاره قربانی انفجار شد، نه دوست‌دار جنگ که مانند تمامی مردم شهر و سراسر ایران از جنگ گریزان بود، اما شر مطلق یقه آنها را نیز گرفت. اول خانه‌هایشان را ویران و بعد جانشان را ستانند. در جنگ هیچ فضیلتی برای مهاجمان نیست. هر آنچه هست سیاهی و ویرانی است که روزی یقه آنها را نیز می‌گیرد.

به بهمن رسیدیم که در دومین روز آن گرمیاداشت روز جهانی تالاب‌ها بود. طبعاً برنامه‌های دولتی طبق روال

انجام می‌شد، اما آن بخشی که در ارتباط با مردم بود و می‌تلبید اتفاقی درون‌زا باشد، شکل نمی‌گرفت. در شرایط ارتباطی سخت و اینترنت کم‌جان و منقطع، گفت‌وگوهای بین سازمان‌های مردم‌نهاد تالابی و محیط‌زیستی کشور برگزار بود. از یک‌سوا آگاهی‌رسانی کند شده بود و از سوی دیگر دست‌درازی‌ها به طبیعت و تالاب‌ها بیشتر برخی طرح‌های مخرب هم فشارهای سیاسی را برای تسجیل در آغاز به کار بیشتر کرده بودند. انجمن‌های تالابی تصمیم گرفتند در مراسم روز تالاب‌ها در سازمان محیط‌زیست شرکت نکنند و برای این عدم‌حضور بیانیه‌ای صادر کردند. بیانیه‌ای که هم در نظر به وضع اجتماعی موجود بود و هم سطحی شدن رویکرد حاکم به مشارکت. درعین‌حال، تشکل‌های محیط‌زیستی تالابی هم‌همیمان شده بودند به تلاش‌ها و آگاهی‌افزایی مؤثر در مقیاس محلی ادامه دهند. من هم تعهداتی برای طرح ارتباطات، آموزش مشارکت و آگاهی‌افزایی داشتم. به‌سختی همکاری بخشداری و یک‌دهیار در منطقه تالابی جلب شد. اولویت آنها برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن و ثبت‌نام شوراهای شهروروستا بود، نه تالاب. در نهایت دوکارگاه آموزشی محلی در فاصله بین حوادت‌دی‌ماه و شروع جنگ برگزار شد. در بهمن‌ماه امسال مناسبت دیگری هم بود که تبدیل به فرصتی برای آگاهی‌افزایی شد.

در بخش هنرهای تجسمی از جشنواره فجر امسال موضوع آب به‌عنوان محور اصلی قرار گرفته بود. فرصتی پیدا کردم که طی دو جلسه برای عکاسان و گرافیس‌تها از آب بگویم و توجه آنها را به وجوه دیده‌نشده آب و صداهای شنیده‌نشده جلب کنم. بحث پیرامون همکاری وعدم مشارکت در جشنواره در بین بزرگان این حوزه بسیار بود، اما من مصمم بودم در حد توان و مقیاس آگنداری کوچکی که داشتم، عمل کنم. در اوایل اسفند جنگ آغاز شد. در میان غوغای جنگ آنها که در منازل خود باقی مانده بودند، با پرداختن به سنت خانه‌تکانی سعی می‌کردند لحظاتی‌از استرس دور شوند؛ اما امسال مثل گذشته اخبار جنگی برای صرفه‌جویی نبود. رسانه‌ها معطوف هشدار می‌دادند. در خانه‌ای نیمه‌باز بود و شلنگ آبی که باز مانده بود، گویای جدیت صاحبخانه در تمیزکاری بود. انگار که ناگهان دقت تمیز کردن چیزی با فکر و ختالی او را باز بودن شیر آب غافل کرده بود. آب تا این‌جا کوچه شبیدار جریان داشت، ولی من زبانم به تذکر نمی‌چرخید. در زمانه عزاداری و خشم و آشفتگی، این حرف‌ها بی‌اثر است، باید در وقت بهتری گفت و شنید.

یادداشت |

## باغ ما در طرف سایه دانایی است

روایتی از وضعیت آگاهی‌افزایی و

آموزش در تاللمات اجتماعی و جنگ



رضوان شریف‌نیا

کارشناس و کنشگر آب

و محیط‌زیست

زمستان امسال شاهد بازندگی و برف خوبی در اغلب نقاط کشور بودیم. هرچند می‌دانستیم این بازندگی جریان سال‌های متمادی فشار بر منابع محدود آب قابل‌دسترس را جبران نمی‌کرد و بحث کمبود انرژی هم جدی‌تر از سال‌های قبل بود. بااین‌حال، آنچه در دی‌ماه گذشت لطمات جریان‌ناپذیری به مشارکت جمعی در حیطه محیط‌زیست و منابع طبیعی وارد کرد و موضوع حفاظت از منابع مشترک را به اولویت‌های بسیار دورتر مردم برد. شاید در سایر حوزه‌های دیگر نظیر دینی، فرهنگی، هنری و امور خیریه‌ای تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، اما در وضعیت خشم و نارضایتی از آنچه پیش‌آمده، نواسانات شدید قیمت‌ها و… حرف‌هایی از جنس لزوم توجه به پایداری منابع طبیعی خریداری ندارد. همه اینها هنوز هم می‌توان برای آینده بزرگ آگاهی‌کاشت. در دی‌ماه که اینترنت قطع بود، برنامه‌های مربوط به هفته‌های پاک مطابق پیش‌بینی‌ها پیش رفت. با مشارکت ادارکل محیط‌زیست چهارمحال‌وبختیاری قرار بود فهرستی از فعالان محیط‌زیستی که سابقه کار در حیطه کودک دارند، فراهم کنیم تا با کارشناسان ادارات شهرستان وارد مدارس شوند. این کار تأیید حرزست ادارات محیط‌زیست و آموزش‌ویروزش را نیاز داشت؛ چراکه در قانون نانوشته‌ای در کشور پس از تحولات اجتماعی سال ۱۴۰۱ ورود اعضای سازمان‌های غیردولتی به مدارس، بدون حضور کارشناسان دولتی، منع شده است. به‌سختی اطلاعات جمع شد و مساعدت‌ها صورت گرفت، اما تعطیلی‌های پیش‌بینی‌نشده و مکرر مدارس و عقب‌ماندن آنها از برنامه‌های درسی، عملاً فرصتی برای موضوعات محیط‌زیستی باقی‌نمی‌گذاشت.

در طرح دیگری با دوستانی که در طرح همیار گاز یکی از استان‌ها دست‌اندرکار هستند، هم همکاری داشتم. مخاطب این طرح دانش‌آموزان دوره دوم دبستان بودند. با مدیران مدارس برای پیشرفت طرح تماس تلفنی می‌گرفتم. بعضی امورات را پیش برده بودند، اما برخی گویا از وظایف جانبی محوله کلافه بودند. بخشش‌ها بسیار بود و بعضاً دیده و خوانده نشده بود و کلاس‌های درسی از برنامه‌ها عقب بودند و نهم‌افزار شاد هم در شرایط اینترنت‌ناپایدار چندان موفق نبود. در تماسی خودم را به یکی از مدیران معرفی کردم و او پرسید طرح همیارچی؟ گفتم‌گاز با خنده پاسخ داد همین الان همیاران آب از مدرسه‌مان رفتند. با همه این اوصاف مدیران قول همکاری در حد توان می‌دادند؛ چون به وضعیت انرژی راهمیت آن‌گاه بودند.

به بهمن رسیدیم که در دومین روز آن گرمیاداشت روز جهانی تالاب‌ها بود. طبعاً برنامه‌های دولتی طبق روال انجام می‌شد، اما آن بخشی که در ارتباط با مردم بود و می‌تلبید اتفاقی درون‌زا باشد، شکل نمی‌گرفت. در شرایط ارتباطی سخت و اینترنت کم‌جان و منقطع، گفت‌وگوهای بین سازمان‌های مردم‌نهاد تالابی و محیط‌زیستی کشور برگزار بود. از یک‌سوا آگاهی‌رسانی کند شده بود و از سوی دیگر دست‌درازی‌ها به طبیعت و تالاب‌ها بیشتر برخی طرح‌های مخرب هم فشارهای سیاسی را برای تسجیل در آغاز به کار بیشتر کرده بودند. انجمن‌های تالابی تصمیم گرفتند در مراسم روز تالاب‌ها در سازمان محیط‌زیست شرکت نکنند و برای این عدم‌حضور بیانیه‌ای صادر کردند. بیانیه‌ای که هم در نظر به وضع اجتماعی موجود بود و هم سطحی شدن رویکرد حاکم به مشارکت. درعین‌حال، تشکل‌های محیط‌زیستی تالابی هم‌همیمان شده بودند به تلاش‌ها و آگاهی‌افزایی مؤثر در مقیاس محلی ادامه دهند. من هم تعهداتی برای طرح ارتباطات، آموزش مشارکت و آگاهی‌افزایی داشتم. به‌سختی همکاری بخشداری و یک‌دهیار در منطقه تالابی جلب شد. اولویت آنها برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن و ثبت‌نام شوراهای شهروروستا بود، نه تالاب. در نهایت دوکارگاه آموزشی محلی در فاصله بین حوادت‌دی‌ماه و شروع جنگ برگزار شد. در بهمن‌ماه امسال مناسبت دیگری هم بود که تبدیل به فرصتی برای آگاهی‌افزایی شد. در بخش هنرهای تجسمی از جشنواره فجر امسال موضوع آب به‌عنوان محور اصلی قرار گرفته بود. فرصتی پیدا کردم که طی دو جلسه برای عکاسان و گرافیس‌تها از آب بگویم و توجه آنها را به وجوه دیده‌نشده آب و صداهای شنیده‌نشده جلب کنم. بحث پیرامون همکاری وعدم مشارکت در جشنواره در بین بزرگان این حوزه بسیار بود، اما من مصمم بودم در حد توان و مقیاس آگنداری کوچکی که داشتم، عمل کنم. در اوایل اسفند جنگ آغاز شد. در میان غوغای جنگ آنها که در منازل خود باقی مانده بودند، با پرداختن به سنت خانه‌تکانی سعی می‌کردند لحظاتی‌از استرس دور شوند؛ اما امسال مثل گذشته اخبار جنگی برای صرفه‌جویی نبود. رسانه‌ها معطوف هشدار می‌دادند. در خانه‌ای نیمه‌باز بود و شلنگ آبی که باز مانده بود، گویای جدیت صاحبخانه در تمیزکاری بود. انگار که ناگهان دقت تمیز کردن چیزی با فکر و ختالی او را باز بودن شیر آب غافل کرده بود. آب تا این‌جا کوچه شبیدار جریان داشت، ولی من زبانم به تذکر نمی‌چرخید. در زمانه عزاداری و خشم و آشفتگی، این حرف‌ها بی‌اثر است، باید در وقت بهتری گفت و شنید.

**ادامه یادداشت را در سایت «پیام ما» بخوانید.**

نگاهی به اهمیت تاریخی باستانی‌ترین و صنعتی‌ترین جزیره خلیج فارس

# خارک هزاران سال در قلمروی ایران

**خارک از سه هزار سال قبل از میلاد جزو قلمرو عیلامیان و در دوران هخامنشیان منطقه‌ای شناخته‌شده بود**



**اپیام ما!** نام «خارک» این روزها همراه با نگرانی در مکالمات روزمره مردم و همراه با تهدید در میان سخنان مردان سیاست تکرار می‌شود. این جزیره اما فارغ از نقشی که حالا در جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران پیدا کرده، پیشینه‌ای تاریخی هم دارد که مرور آن شاید ما را در پی بردن به اهمیت این جزیره در تاریخ و اقتصاد ایران کمک کند. جزیره‌ای که این روزها همراه با تنگه هرمز بیش از هر نام دیگری در اخبار ایران و جهان تکرار می‌شود.

«ویلِم فلور»، ایران‌شناس هلندی، هم درباره خارک و صید مروارید در آن، نوشته است: «نام خارک را که جزیره‌ای تحت حاکمیت پادشاهان ایران بود، نمی‌توان در کتاب‌های دیوان یافت؛ اگرچه این جزیره در طول سال‌های ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۶ میلادی تحت سلطه فرمانروای فارس بوده است. تنها عوارضی که شیوخ بوشهر از جزیره‌نشینان اخذ می‌کردند، خمس تمام مرواریدهایی است که آنها در مغاص‌های جزیره صید می‌کردند. تقریباًخمس این مرواریدها درفصلی که صید مروارید متوسط است، حدود ۱۰۰ پیاستر بوده و در فصل فراوانی که مروارید حدود ۲۰۰ پیاستر تخمین زده می‌شود یا به‌طور متوسط ۱۰ تا ۱۲ پوند استرلینگ.»

موقعیت جغرافیایی جزیره باعث شده بود کشورهای مختلف طمع تسخیر آن را داشته باشند؛ برخی موفق شدند و برخی نه. در قرن شانزدهم پرتغالی‌ها این جزیره را که مسکن ماهیگیران و مأمس دریانوردان بود، اشغال و نمایندگی تجاری شعبه هرمز را در آن دایر کردند. اواخر قرن شانزدهم هلندی‌ها خارک و برخی جزایر خلیج فارس را اشغال واستحکاماتی در آنها بنا کردند. درنهایت میرومهنای عرب هلندی‌ها را در اوایل قرن هفدهم مغلوب کرد و خارک را که آخرین پایگاه هلندی‌ها در خلیج فارس بود و قلعه آنها

در این جزیره را تسخیر کرد و به‌این‌ترتیب بود که استیلای هلندی‌ها در خلیج‌فارس پایان گرفت.

انگلیس در مقاطع مختلف تلاش‌هایی برای تسخیر خارک صورت داد. در جنگ هرات خارک تحت اشغال انگلیسی‌ها بود. بعد از آن نیز در مقاطع مختلف انگلیسی‌ها تلاش کردند این جزیره را به‌عنوان مرکز نیروهای خلیج‌فارس قرار دهند. در مواقعی موفق شدند و در مواردی هم جزیره را به حکومت ایران تحویل دادند.

فراز و نشیب‌های تاریخی در اواخر دهه ۴۰ به نفت رسیدند و نام خارک تا امروز با نفت گره خورد. سال ۱۳۳۷ حاکمان به این نتیجه رسیدند که این جزیره جایگاه مناسبی برای صادرات نفت خام است و دو سال بعد تأسیساتی در این جزیره احداث شد و زیرساخت‌های اولیه برای بازرگبری و صادرات نفت مهیا شد. در آبان ۱۳۳۹ اولین بازرگبری نفت ایران به مقصد اروپا از خارک انجام شد. حالا بالغ‌بر ۹۳ درصد نفت صادراتی ایران از طریق این جزیره به کشورهای مختلف فرستاده می‌شود.

**آثار تاریخی خارک**

خارک جزو بخش خارک شهرستان بوشهر است. اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ خطوط اولیه نفت گچساران به خارک ساخته و خارک به‌عنوان بندر بازرگبری نفت نقش پررنگی در

◄ **عیراث و گردشگری** ►

آثار دوران اسلامی «بقعه میرمحمد»، منسوب به محمد حنفیه است که دارای گنبد هرمی مضرس است.

**کتابیه هخامنشی خارک**

یکی از آثار کشف‌شده مشهور در جزیره خارک یک کتابیه هخامنشی است که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و زخمی از تلاش بی‌نتیجه یک گنج‌یاب را بر تن دارد. این کتابیه را در سال ۱۳۸۶ وقتی پروژه تسطیح جاده‌ای در جزیره در حال انجام بود، کشف شد و دو سال بعد ثبت ملی شد.

کتابیه روی صخره‌ای مرجانی که در جزیره به آن سنگ خارا گفته می‌شود، با ابعاد ۱۱۶ در ۸۵ و در سطحی حدود ۳۰ در ۳۰ سانتی‌متر در پنج سطر و دو بخش با یک فاصله حدود هشت سانتی‌متری نقر شده است. بخش اول در سه سطر و بخش دوم در دو سطر به خط میخیی فارسی باستان نوشته شده است. متن خوانده و ترجمه‌شده این کتابیه حکایت از این دارد که فردی که جاهی را حفر کرده، آن را نوشته: «بود/ شد (این) سرزمین خشک و بی‌آب ساد (با) استحصال (من) بینه را…چاه‌ها…!»: «این سرزمین خشک و بی‌آب بود. شادی…جاری نم بینه را…» و مضمون آن این است که: «در دل این صخره‌های سخت و بی‌آب شادی آفریدم.» مطالعات اولیه در محل کشف کتابیه نشان می‌دهد اثری از بنای تاریخی در اطراف آن وجود ندارد. اما نشانه‌هایی از محل استحصال آب شیرین و یقاپای پلکان دسترسی به آن وجود دارد؛ هر چند مسیر عبور آب یا چشمه موجود در محل خشک شده است. کتابیه امروز پشت شیشه‌ای در سایه یک درخت بزرگ «لیل» یا انجیر معابد قرار دارد.

پژوهشگران معتقدند با توجه به وجود یک حلقه چاه آب خشک‌شده در فاصله چندمتری کتابیه، این احتمال را تقویت می‌کند که هم‌زمان با حفر یا ایجاد همین حلقه چاه نقر شده‌است. سرفراز معتقد است: «ویژگی دیگر این کتابیه نگارش عجولانه وتوام بابی‌دقتی آن است.سنگ‌نوشته‌های شناخته‌شده هخامنشی همگی متونی سلطنتی بوده و با دقت و ظرافت ویژه‌ای نگاشته شده‌اند.» خط میخیی فارسی باستان در حدود سال ۵۲۰ پیش‌ازمیلاد تا حدود سال‌های ۳۳۰ پیش‌ازمیلاد به مدت ۱۹۰ سال به‌عنوان خط سلطنتی شاهنشاهی هخامنشی رواج داشته است. به‌این‌ترتیب، می‌توان قدمت کتابیه را تخمین زد.

**جایی برای تبعید مجرمین سیاسی**

خارک با جغرافیای جزیره‌ای و طبیعتی خشن را بعضی «دژی در میان دریا» دانسته‌اند. همین ویژگی هم باعث شد در دوران پهلوی اول به‌عنوان محلی برای تبعید زندانیان سیاسی در نظر گرفته شود. براساس اسناد موجود، جزیره خارک از سال ۱۳۱۲ به‌عنوان مکانی برای تبعید مجرمین سیاسی در نظر گرفته شد. علت این انتخاب داشتن هوای گرم و دور از دسترس بودن در کنار داشتن حداقل‌هایی برای زندگی تبعیدیان بود. هرچند برخی مخالفان اجرای این ایده، قرار داشتن این جزیره در مسیر عبور کشتی‌های تجاری و دسترسی جزیره به آب‌های آزاد را تهدیدی برای کارکرد تبعیدگاهی جزیره می‌دانستند.

اجرای ایده تسخیر زندانیان به خارک در دوره رضاشاه میسر نشد، اما در دوره پهلوی دوم کارکرد تبعیدگاهی این جزیره عملیاتی شد و به‌مورت اختصاصی به مکانی برای تبعید محکومین سیاسی، به‌ویژه اعضای حزب توده تبدیل شد. این کارکرد البته با ساخت پایانه‌های نفتی در این جزیره منقضی شد.

جزیره خارک در دوران پهلوی دوم به‌مدت ۱۰ سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۷ تبعیدگاه اعضای حزب توده ایران بود. «کریم کشاورز»، یونسفد و مترجم، و «ابوالقاسم انجوی»، سردبیر روزنامه آتشبار، از شاخص‌ترین تبعیدی‌های این جزیره بودند. در اسناد به‌جامانده از شکواییه‌های تبعیدیان و خانواده‌هایشان پرترکارترین شکایت از ویژگی‌های این جزیره مربوط به گرمای طاقت‌فرسا است. در این اسناد از خارک به‌عنوان «جزیره بسیار گرم و خطرناک» و «قُب‌آب‌و‌هواترین جزیره خلیج‌فارس» یاد شده است. با این‌همه، تبعیدی‌ها شرایطی را فراهم کرده بودند که بتوانند طبیعت خشن جزیره را تحمل کنند. یکی از این اقدامات برگزاری آیین‌ها و جشن‌ها بود. از جمله جشن مهرگان، نوروز کریمسوس برای تبعیدی‌های ارمنی و…

کریم کشاورز در خاطرات خود نوشته است: «در اردوگاه ما جوش و خروش برپاست، از هر سو آوازهای دسته‌جمعی به گوش می‌رسد. آذربایجانی‌ها، مازندرانی‌ها، گیلک‌ها، ارمنی‌ها مشغول تمرین آهنگ‌های محلی و ملی خود هستند. یک دسته دیگر نمایشنامه «زارع شیکاگو» اثر «مارک تولین» را تمرین می‌کنند. دسته دیگر تحت تأثیر انجوی یک نمایشنامه روحوضی را حاضر می‌کنند. اینها تدارکات جشن مهرگان است.»

جزیره خارک که حالا با حجم نفتی که بازرگبری و صادر می‌کند شناخته می‌شود، روایت‌های تاریخی فراوانی دارد از روزهایی که از سرگذراننده است. تاریخی که با قدمت ایران و تاریخ پرفرازویشیش چندان فاصله‌ای ندارد. خارک هم امروز زخمی است، مثل ایران و صبور، مثل ایران.

ارزش] بوده‌اند که تعدادی از آنها به‌طور کامل تخریب شده و

برخی خسارت دیده‌اند. تعدادی از آثار هم هستند که به‌دلیل محدودیت دسترسی به آنها، اما با توجه به تعداد و موج حملات صورت‌گرفته در حریمشان، احتمال می‌رود آسیب دیده باشند.»

براساس اظهارات دبیر کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی تهران، قدمت آثار تخریب‌شده و آسیب‌دیده از ابتدای حمله‌ها تاکنون، به دوره‌های قاجار و پهلوی می‌رسد.

به‌گفته سگسری، «ساختمان سابق ژاندرامری، ساختمان کلانتری بهارستان، استادبوم ۱۲هزار نفری آزادی، و سردر ساختمان منصوب به دفتر امیرکبیر (کلانتری بازار) از جمله آثار تاریخی بودند که در این جنگ، کامل تخریب شدند.»

او ادامه داد: «ساختمان دانشگاه جنگ (روبه‌روی داروخانه ۱۳۱۳) با قدمت پهلوی در حمله ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۴، حدود ۷۰ درصد تخریب شد و بخشی از سالن «شماره یک» فرودگاه مهرآباد تهران نیز در حملات متعدد، تخریب شده است. این سازه با قدمت پهلوی در فهرست میراث ملی ثبت شده است. ساختمان سابق مجلس شورای اسلامی (سنا) نیز با قدمت پهلوی نیز در حمله ۱۱ اسفند با تخریب سقف و آسیب به فضاهای داخلی و شاید سازه مواجه شده است.»

## ۳

## روزنامه سازمان پیمان

◄ **یادداشت** ►

## بررسی تخریب میراث فرهنگی از منظر حقوق بین‌الملل



میراث فرهنگی و تاریخی تنها نمادی از گذشته نیست، بلکه سرمایه‌ای جهانی و حق مشترک تمام بشریت است. در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حفاظت از این اموال در زمان جنگ، نه یک توصیه اخلاقی، بلکه یک تکلیف الزام‌آور حقوقی است.

حملات هوایی اخیر رژیم صهیونیستی علیه نقاطی از ایران، از جمله تهران و اصفهان که منجر به آسیب دیدن گنجینه‌های بی‌بدلی مانند کاخ چهلستون، رکیب‌خانه، مسجدجامع عباسی در اصفهان و کاخ گلستان در تهران شده است، سؤالات حقوقی پیچیده‌ای درباره مسئولیت کفبری و مدنی دولت متجاوز و فرماندهان نظامی آن ایجاد می‌کند. تحلیل این رویدادها براساس کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴، اساسنامه رم و دادگاه کفبری بین‌المللی و قواعد عرفی بین‌المللی، نشان‌دهنده نقض جدی قوانین جنگ است.

در چارچوب حقوق بین‌الملل، اموال فرهنگی دارای وضعیت ویژه‌ای هستند. طبق کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ و پروتکل دوم ۱۹۹۹، هرگونه حمله مستقیم به این اماکن، مگر در شرایطی که به «مزیت نظامی قطعی» تبدیل شود، ممنوع است.

اما چالش اصلی تمایز میان حمله مستقیم و تخریب ناشی از موج انفجار (آسیب غیرمستقیم) است. از دیدگاه حقوقی، آیا تخریب آثار باستانی به‌دلیل موج انفجار حمله به یک هدف نظامی نزدیک به بناهای تاریخی، به همان اندازه حمله مستقیم مسئولیت کفبری دارد؟ پاسخ حقوقی در کلمه کلیدی «تنبیه‌پذیری» و «اصل تناسب» نهفته است. وقتی کشور متجاوز به اهدافی نزدیک به یک میراث فرهنگی حمله می‌کند و موج انفجار باعث تخریب آن میراث می‌شود، این عمل لزوماً به‌شکل مستقیم هدف قرار دادن بنا نیست، اما می‌تواند مصداق نقض اصل احتیاط واصل تناسب باشد.

مصالح ماده ۵ و ۵۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، دولت متجاوز موظف است تمام اقدامات عملی ممکن را انجام دهد تا از آسیب به اموال غیرنظامی مانند میراث فرهنگی جلوگیری کند. همچنین، حمله‌ای که منجر به خسارت گسترده، تصادفی و یا غیرمستقیم به اموال فرهنگی شود، اگر در قیاس با حملات نظامی شهری بیش‌ازحد و نامتناسب باشد، در زمره جنایات جنگی طبقه‌بندی می‌شود. بنابراین، رژیم صهیونیستی با وجود علم به این موضوع که حمله به اهدافی در نزدیکی بناهای تاریخی منجر به تخریب آنها می‌شود، اقدام به حمله کرده است. بنابراین، مسئولیت کفبری برای آنها برقرار است.

در این حالت، استناد به «تخریب غیرمستقیم» یا «موج انفجار» به‌عنوان دفاعیه قانونی، در دادگاه‌های بین‌المللی پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا تقصیر در عدم رعایت اصل احتیاط و تناسب محقق شده است و مسئولیت مدنی دولت رژیم صهیونیستی در کانون توجه قرار می‌گیرد. براساس کنوانسیون مسئولیت دولت‌ها، کشور متجاوز موظف است به کشور آسیب‌دیده خسارت کامل بپردازد. تخریب بناهای تاریخی خساراتی فراتر از ارزش مادی دارد؛ چراکه به هویت ملی و تمدنی لطمه وارد می‌کند. ایران می‌تواند از طریق دادگاه‌های بین‌المللی علیه رژیم صهیونیستی و فرماندهان اجرایی آن اعلام جرم و شکایت کند. در آخر براساس حقوق بین الملل معاصر، مرز باربک میان حمله مستقیم و آسیب غیرمستقیم، هیچ‌گونه مصونیتی برای دولت متجاوز ایجاد نمی‌کند.

تخریب بناهای تاریخی و میراث فرهنگی ایران در حملات اخیر، چه مستقیم و چه غیرمستقیم نقض صریح کنوانسیون‌های لاهه و اساسنامه رم است و این اقدامات باید در سطح بین‌الملل پیگیری قضائی و کفبری شوند و رژیم صهیونیستی باید در برابر خسارات وارده به این گنجینه‌های ملی پاسخگویی کامل داشته باشد؛ زیرا از دیدگاه حقوقی، این تخریب می‌تواند به‌عنوان «نسل‌کشی فرهنگی» نیز تعریف شود.

براساس کنوانسیون پیشگیری از جرم نسل‌کشی و مجازات آن (۱۹۴۸)، هر اقدامی که هدف آن ازبین‌بردن بخشی از هویت فرهنگی یک ملت باشد، مصداق نسل‌کشی است. این تعریف شامل تخریب آثار تاریخی، متون مقدس و نمادهای فرهنگی می‌شود. همچنین، جامعه جهانی نیز باید از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، یونسکو و دادگاه‌های کفبری بین‌المللی، علیه این جنایات اقدام کند. تخریب آثار باستانی تخریمی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت؛ زیرا این عمل، حمله‌ای به هویت و تمدن انسانی است.

دبیر کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی تهران همچنین گفت: «در پی این تجاوز نظامی، اثر شاخص و میراث جهانی کاخ جهانی گلستان، به‌همراه ساختمان تیمورتاش، کاخ مرمر، سینما شکوفه، جداره ارگ تاریخی تهران، جداره بازار تاریخی تهران، ساختمان رادیو تهران، انیستیتو پاستور، برج آزادی، عمارت و باغ وثوق الدوله، زندان قصر، مسجد اردبیلی‌ها اچال حسار»، و خانه پرفسور عدل (پژوهشکده هنر)، خسارت جدی و آسیب‌هایی دیده‌اند.»

و اضافه کرد: «در حمله هوایی روز دوشنبه ۲۵ اسفند به میدان شهدا، ساختمان برق که به دوره پهلوی تعلق دارد، به طور کامل تخریب شد و بنای ثبتی موزه تاریخ کانون پوروش فکری کودکان و نوجوانان و موزه صنعت برق ایران به‌دلیل قراردآشتن در مجاورت ساختمان برق، براساس بررسی میدانی، با خسارات جدی سازه‌ای مواجه شده‌اند.»

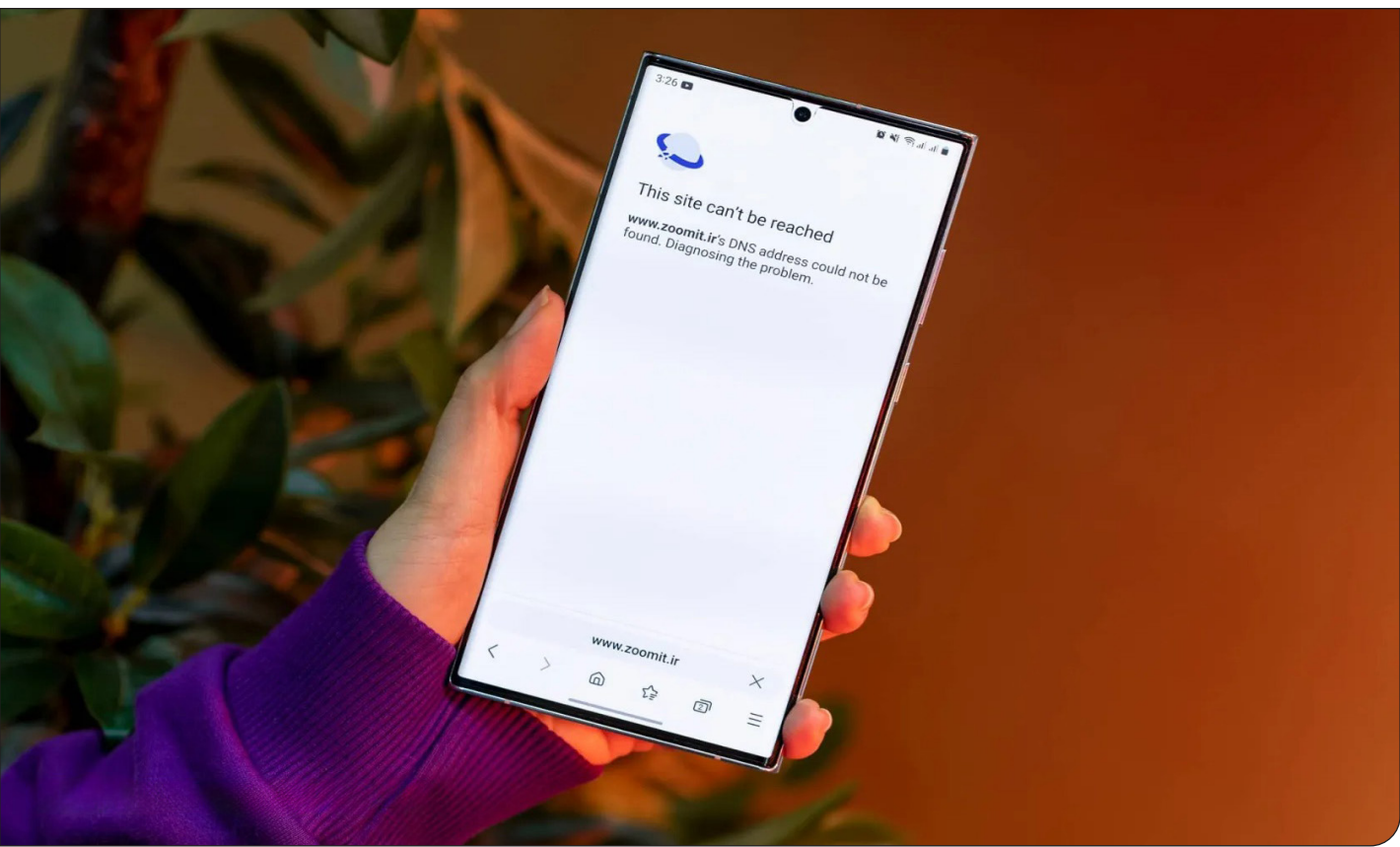
دبیر کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی تهران یادآورد شد: «با توجه به محدودیت دسترسی به این بناها هنوز امکان پایش و رصد دقیق میزان آسیب احتمالی واردشده به آن‌ها وجود ندارد، ولی با توجه به انفجارها و حملاتی که در حریم و محدوده آنها رخ داده است و بنابر گزارش‌های اولیه، احتمال می‌رود بخشی‌هایی از این بناها آسیب دیده باشند.» |ایسنا



مروری بر بیش از دو ماه قطعی اینترنت که مردم ایران در سال ۱۴۰۴ تجربه کردند

# سال خاموشی

**با ادامه قطعی شبکه جهانی تا آخرین روز سال، شمار روزهای قطعی سراسری اینترنت به بیش از ۶۰ روز می‌رسد**



| zoomit.ir



مهتاب چودکی ا

روزنامه‌نگار

بایبید به گذشته سرک بکشیم. سابقه قطع اینترنت دربرزگاه‌های تاریخی، به بیش از ۱۵ سال پیش بازمی‌گردد؛ به خرداد ۱۳۸۸. در آن سال که ۴۰ سال از آغاز دوران اینترنت می‌گذشت، تعداد کاربران ایرانی ۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر و ضریب نفوذ اینترنت ۳۵ درصد بود.
باین‌حال، کندی و اختلال در برقراری ارتباط، انتظار طولانی برای باز شدن سایت‌ها و قطعی‌های پیاپی اینترنت و فیلترینگ شدید پلتفرم‌ها، شکایت مدام کاربران بود.

شاید با گذر زمان و تجربه خاموشی‌های دیجیتال سال‌های گذشته، کمتر کسی به خاطر بیاورد که از شب قبل از انتخابات ریاست جمهوری (شامگاه ۲۱ خرداد ۸۸) سیستم پیامک از ۱۹ روز قطع شد و پس از وقفه‌ای کوتاه در تبرماه، قطعی دوباره‌ای اعمال شد که سرجمت از ۴۰ روز ادامه یافت. این اختلال را بگذارید کنار قطع سرویس GPRS (اینترنت همراه) و MMS. اختلال در شبکه‌های ارتباطی در ماه‌های بعد هم ادامه داشت. در آن زمان وزیر وقت ارتباطات پیگیر «شبکه ملی اینترنت» بود و در حاشیه «همایش ملی آینده‌نگاری فناوری ایران ۱۴۰۴» ابراز امیدواری کرد این پروژه تا اواخر سال ۸۹ به اجرا برسد.
داستان آشنایی نیست؟ اکنون که آخرین روزهای سال ۱۴۰۴ را به پایان می‌رسانیم و در ناچاری، از «شبکه ملی اطلاعات» برای ارتباط و خبر گرفتن

استفاده می‌کنیم، می‌بینیم تغییری در سیاست‌گذاری‌ها رخ نداده است. یک دهه بعد از حوادث ۸۸، این بار در آبان ۱۳۹۸ سناریو تکرار شد؛ قطعی سراسری شبکه جهانی از شامگاه ۲۵ آبان تا پنج روز بعد که اینترنت خانگی وصل شد. محدودیت‌ها را در هفته‌های بعد استان به استان برداشتند و سیستم‌ان‌بولوجستان بعد از ۱۶ روز آخرین نقطه‌ای بود که به جهان متصل شد. در اعتراضات ۱۴۰۱ هم شاهد اختلال شدید و محدودیت‌های متفاوت در دسترسی به اینترنت در استان‌های مختلف و فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی بودیم. از اینها بگذریم و به امسال برگردیم.

**جنگ اول: بیش از ۱۲ روز قطعی**

اولین خاموشی دیجیتال در سال ۱۴۰۴ با وقوع جنگ دوازده‌روزه رقم خورد. از دومین روز حمله اسرائیل (۲۴ خرداد) محدودیت‌های فنی شدید اینترنت آغاز شد و از ۲۸ تا ۳۰ خرداد اینترنت کاملاً قطع شد؛ هرچند کمتر از سه درصد ایرانیان به «اینترنت طبقاتی» دسترسی داشتند.

در تمام آن روزها پاسخ‌های رسمی به مطالبات شهروندان به موقتی و هدفمند بودن محدودیت‌های اعمالی اشاره داشت. مسئولان دلیل این قطعی یا «محدودیت موقتی» را «تأمین

## خزارش

اما داده‌های رادار کلادفلر همچنان از اختلال در بعضی پروتکل‌ها خبر می‌داد. برخلاف گفته‌های «ستار هاشمی»، وزیر ارتباطات، درباره بازگشت اینترنت به «وضعیت عادی»، ۱۴ روز بعد از آتش‌بس (چهارم تیر) وضعیت اینترنت اندکی بهبود پیدا کرد، اما مشکلات فنی و محدودیت بر برخی پروتکل‌ها همچنان باقی بود تا التهاب سیاسی بعدی.

با اینکه رؤسای جمهور و وزرای دوره‌های پیشین گفته بودند راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات به‌معنای قطع اینترنت جهانی نیست، تجربه این قطعی و قطعی‌های بعد بار دیگر نشان داد دقیقاً به همین معنی است. در طول این دوره آنچه مردم در دسترس داشتند، شبکه ملی اطلاعات بود. قطع اینترنت بین‌الملل مردم را از ارتباط با جهان و دریافت اطلاعات حیاتی محروم کرد؛ هشدارهای تخلیه ناگهانی محله‌ها که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شد به دست مردم نمی‌رسید، کاربران برای ارتباط با دوستان و وابستگان خود به در بسته خوردند و تا شش ماه بعد که دومین خاموشی دیجیتال سال اتفاق افتاد، درباره خسارت‌های این تصمیم صحبت شد.

**اعتراضات دی؛ ۲۱ روز تاریکی**

دومین خاموشی سراسری اینترنت، با اعتراضات خون‌بار ۱۸ و ۱۹ دی سر رسید. هنوز زمان زیادی نگذشته که از یاد رفته باشد؛ اینترنت، تلفن و پیامک قطع شد و دیگر هیچ راهی برای ارتباط وجود نداشت. خاموشی چنان بود که حتی در روزور ۱۸ و ۱۹ دی شبکه ملی اطلاعات هم قطع شده بود و مردم برای انجام کارهای روزمره درمانده بودند. در شرایط قطعی شبکه جهانی و خاموشی دیتاستنرها، پروازها مختل شد، کسب‌وکارهای وابسته به اینترنت تعطیل و سرویس‌های خدمات آنلاین و حتی پیام‌رسان‌های داخلی درگیر اختلال شدند. وزارت ارتباطات و فناوری در دومین روز قطع شبکه جهانی اعلام کرد این قطعی از سوی «مراجع امنیتی ذی‌صلاح» و به‌علت «شرایط پیش‌آمده در کشور» اعمال شده است؛ درنهایت میلیون‌ها نفر روزها از دسترسی به شبکه جهانی محروم شدند و صدای ایران خاموش شد.

رسانه‌های جهان این دوره از قطعی اینترنت را یکی از گسترده‌ترین خاموشی‌های ثبت‌شده در جهان توصیف کرده‌اند که حدود ۹۲ میلیون نفر را از اینترنت جهانی جدا کرد. سازمان غیرانتفاعی مدافع حقوق دیجیتال Access Now در ژانویه ۲۰۲۶ میلادی با انتشار بیانیه‌ای، ایران را یکی از نمونه‌های مهم اعمال خاموشی دیجیتال در جهان معرفی کرد.

قطع شبکه جهانی از ساعت ۰۵ پنجشنبه ۱۸ دی تا ساعت ۱۴ سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۴ ادامه یافت. در این بازه دسترسی به اینترنت بین‌الملل و بسیاری از سرویس‌های داخلی به‌طور کامل قطع شد. بعد از روز قطع ارتباط با جهان، از ۸ بهمن به‌بعد امکان اتصال محدود با استفاده از فیلترشکن‌ها فراهم شد، اما وضعیت اینترنت هیچ‌وقت به قبل از اعتراضات برنگشت. به‌گفته وزیر ارتباطات، در این مدت اقتصاد دیجیتال -که حدود ۱۰ میلیون نفر در آن شاغل‌اند- روزانه حدود ۵۰۰ میلیارد تومان و اقتصاد کلان کشور نزدیک به پنج هزار میلیارد تومان زیان دید.

طبق گزارش انجمن تجارت الکترونیک از ۸ بهمن تا یک ماه بعد (وقوع سومین خاموشی)، اختلال‌ها به‌صورت انتخابی روی پورت‌های خاص و دیتاستنرهای مشخص ادامه پیدا کرد و پایداری شبکه به‌شدت کاهش یافت. کارشناسان شبکه در آن روزها می‌گفتند این بدترین، طولانی‌ترین و شدیدترین قطعی اینترنتی است که تاکنون تجربه کرده‌اند. آنها پیش‌بینی نمی‌کردند

دومین جنگ سال ۱۴۰۴ بلافاصله پس از دومین قطعی اینترنت رخ دهد؛ هرچند طبق الگوی رفتاری میان‌رسان سیاسی در دوره‌های گذشته، از بستن شریان‌های ارتباط دیجیتال درصورت وقوع درگیری نظامی اطمینان داشتند.

**جنگ دوم: خاموشی مطلق**

در آخرین هفته اسفند قطعی اینترنت، همراه جنگ، به سومین هفته رسیده است. مثل جنگ دوازده‌روزه، کاربران در روزهای

مباران نگران‌اند در نبود اینترنت، از هشدارهای تخلیه باخبر

نشوند. در همین حال، تجربه مشترک آنها از «شبکه ملی اطلاعات» ارتباطی گُند و پراختلال است. در قطعی فعلی (پس از حملات ۹ اسفند) اتصال کشور به حدود یک درصد سطح معمول سقوط کرد، اما از ساعت ۱۶ یکشنبه (۲۴ اسفند) وضعیت باز هم تغییر کرده است.

این آخرین خبری است که درباره اینترنت داریم، چراکه از آن زمان وی‌پی‌ان‌ها از کار افتاده است؛ براساس بررسی «نت‌بلاکس»، نهاد مانیتورینگ اینترنت از عصر یکشنبه اتصال یک درصدی ایران به اینترنت بین‌الملل قطع شده و خاموشی شبکه جهانی در ایران تقریباً صد درصدی است. نت‌بلاکس پیش از این اعلام کرده بود سطح دسترسی یک درصدی به اینترنت در ایران به‌واسطه لیست سفید، یا همان «سیم‌کارت سفید» برقرار است، اما در شانزدهمین روز قطعی اینترنت وقوع اختلال در یکی از شبکه‌های مهم مخابراتی این اتصال یک درصدی را قطع کرده است.

در میان ویرانی جنگ، درباره خسارت‌های این قطعی بزرگ که بیش از ۴۰۰ ساعت از آن می‌گذرد، هنوز اطلاعات دقیقی نداریم؛ اما پیداست کسب‌وکارهای کوچک از کار و درآمدزایی بازمانده‌اند؛ چه آنکه صادرکنندگان کالا و ناوگان حمل‌ونقل هم در این جنگ

و خاموشی به بن‌بست خورده‌اند.

آخرین اظهارنظر رسمی درباره این موضوع مربوط به «سیدعباس عراقچی»، وزیر امور خارجه است. روز یکشنبه، ۲۴ اسفند، وقتی «مارگارت بزیان» در شبکه CBS در مصاحبه‌ای آنلاین از عراقچی درباره اینکه مردم به اینترنت آزاد دسترسی ندارند پرسید، او چنین دلیلی آورد: «چون من صدای مردم ایران هستم و باید از حقوق آنها دفاع کنم.» به همین دلیل، به اینترنت دسترسی دارم تا صدای ما توسط جامعه بین‌المللی شنیده شود. اینترنت به‌دلیل امنیتی بسته شده است، چون ما تحت حمله و تجاوز هستیم و باید هر کاری برای حفاظت از مردم خود انجام دهیم. در هر کشوری در زمان جنگ اقدامات فوری از این‌دست اتخاذ می‌شود.»

با این‌همه مطالبه مردم همچنان برقرار دوباره اتصال جهانی است. نامه «درخواست اتصال مجدد اینترنت برای همه مردم» در پلتفرم کارزار تاکنون بیش از ۲۱ هزار امضا گرفته و در نمود دسترسی به شبکه جهانی و امکان جست‌وجو هر ساعت بر شمار امضاکنندگان افزوده می‌شود. این نامه ۱۲ اسفند توسط «گروهی از کاربران، توسعه‌هنگدان و خبرنگاران» خطاب به رئیس شورای عالی امنیت ملی، رئیس‌جمهور و وزیر ارتباطات نوشته شده است: «...کشورمان در سایه جنگ قرار گرفته و این موضوع قابل درک است که برخورد با شرایط جنگی پروتکل و شرایط مرتبط با خود را دارد. اما لزوم به ذکر است که در چنین شرایطی، دسترسی به عزیزان، دوستان، آشنایان و همچنین جلوگیری از پخش اخبار جعلی و نشر اکاذیب از طریق اینترنت نیازی اساسی برای همه آحاد ملت ایران است. از همین رو، تقاضا داریم درصورت صلاحدید، وضعیت اینترنت به حالت عادی خود بازگرد.»

کاربران به‌ناچار از پیام‌رسان‌های بومی استفاده می‌کنند، اما این پلتفرم‌ها هم به‌دلیل محدودیت در ارسال فایل، کندی و قطعی‌های مکرر به نیاز کاربران پاسخ نمی‌دهند. طبق تجربه‌های قبلی خاموشی‌ها و نتایج نظرسنجی‌ها، مردم با شبکه ملی اطلاعات یا همان اینترنت ملی کنار نیامده‌اند و به‌محض اتصال مجدد یا به‌کارافتادن وی‌پی‌ان‌ها، فعالیت در پلتفرم‌های خارجی را از سر می‌گیرند و استفاده از پیام‌رسان‌های بومی باز به کمترین حد می‌رسد؛ همین می‌تواند پیام روشنی برای تصمیم‌گیران باشد، اما هنوز نمی‌دانیم تا اتصال دوباره به جهان چقدر باید صبر کنیم.

در دیتابیس جهانی وقوع سه خاموشی بزرگ ایران در کمتر از یک سال ثبت شده و کاربران ایرانی در سه مقطع از اینترنت جهانی جدا افتاده‌اند. اتصال آنها تا سه درصد سطح عادی و حتی به نزدیک صفر سقوط کرده است. در سالی که گذشت، خاموشی دیجیتال در دی و اسفند از نظر طول مدت و استمرار تقریباً بی‌سابقه بود. در تمام این روزهای خاموشی در سال ۱۴۰۴ که تا ۲۹ اسفند به بیش از ۶۰ روز قطعی مدام شبکه جهانی در سراسر کشور می‌رسد، صدای میلیون‌ها شهروند خاموش شد.

نوبت دوم



قوه قضائیه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان زرنند تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات ایشان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدی، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- احمد یزدانی احمدآبادی فرزند

## سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

## اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان

## اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرنند

## هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

دلاور شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۶۹۹۶٫۵۷مترمربع از پلاک ۱۵۰افرعی از پلاک ۱۳۳۴۳ اصلی واقع در اراضی احمدآباد زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی احمد دیلمقانی

۲- احمد یزدانی احمدآبادی فرزند دلاور شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۵۲۲۹٫۶۵ مترمربع از پلاک ۱۵۰افرعی از پلاک ۱۳۳۴۳ اصلی واقع در اراضی احمدآباد زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی احمد دیلمقانی

۳- حسین کردی کریم‌آبادی فرزند محمد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۱۳۶۳٫۷۸ مترمربع از پلاک ۸۰۲۰ اصلی واقع در اراضی کریم آباد زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی سیدمحمود تهامی

۴- مریم سلطانزاده زرنندی فرزند جواد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۳۰۳۸٫۵۸ متر مربع از پلاک ۸۵۰۲ اصلی واقع درراضی واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد سلطانزاده

۵- میترا سلطانزاده زرنندی فرزند جواد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۵۹۲۰٫۵۲ متر مربع از پلاک ۸۵۰۲ اصلی واقع درراضی واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد سلطانزاده

۶- میترا سلطانزاده زرنندی فرزند جواد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۵۰۴۰٫۸۸ متر مربع از پلاک ۸۵۰۲ اصلی واقع درراضی واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد سلطانزاده

۷- رضا سیاری فرزند کاظم شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۵۶۷۳٫۵۲ متر مربع از پلاک ۸۵۰۲ اصلی واقع در اراضی واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس سیف‌الدینی

۸- علی عرب نصرت ابادی فرزند جواد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۱۳۱۱٫۹۹ متر مربع از پلاک ۸۶۴۶ اصلی واقع درراضی حسن آباد واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس سیف‌الدینی

۹- علی عرب نصرت ابادی فرزند جواد شش‌دانگ باغ مشجر به

۸۶۴۶ اصلی واقع درراضی حسن آباد واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی پریدخت پور سیف‌الدینی

۱۴- پیمان رجب زاده جرجاقتی فرزند حبیب اله شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۸۷۴٫۶۸متر مربع از پلاک ۸۶۴۶ اصلی واقع درراضی حسن آباد واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی پریدخت پور سیف‌الدینی

۱۵ - ایمان رجب زاده جرجاقتی فرزند حبیب اله شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۱۳۳۱٫۶۷متر مربع از پلاک ۸۶۴۶ اصلی واقع درراضی حسن آباد واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی پریدخت پور سیف‌الدینی

۱۶- پیمان رجب زاده جرجاقتی فرزند حبیب اله شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۱۴۴۱٫۶۷متر مربع از پلاک ۸۶۴۶ اصلی واقع درراضی حسن آباد واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی پریدخت پور سیف‌الدینی

۱۷-علی عرب نصرت آبادی فرزند جواد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۵۵۴٫۸۵متر مربع از پلاک ۸۶۴۶ اصلی واقع درراضی حسن آباد واسط زرنند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی عباس سیف‌الدینی

۱۸- مهدیه کارگر محمد آبادی فرزند محمد شش‌دانگ باغ مشجر به مساحت ۱۲۴۶٫۳۷متر مربع از پلاک

<sup>[1]</sup> در آخرین هفته اسفند قطعی اینترنت، همراه جنگ، به سومین هفته رسیده است

<sup>[2]</sup> در آخرین هفته اسفند قطعی اینترنت، همراه جنگ، به سومین هفته رسیده است



#### اخرچ

## تداوم آب‌رسانی پایدار در سایه جنگ

منصوریار - مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان البرز با اشاره به نخستین فرمان رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (مدظله العالی) مبنی بر استمرار خدمات‌رسانی بی‌وقفه دستگاه‌ها به مردم شریف، از پایداری کامل شبکه توزیع آب در سراسر استان خبر داد.
حمیدرضا نامداری با تأکید بر روحیه جهادی کارکنان شرکت آبقا البرز اظهارکرد: از نخستین دقایق آغاز تهاجم دشمنان غاصب به میهن اسلامی این مجموعه با تشکیل ستاد بحران و کمیته اضطرار، پای‌کار مردم بوده و تا آخرین لحظه نیز در سنگر خدمت‌رسانی خواهیم ماند.
او افزود: در راستای اطاعت از امر ولی مسلمین و صیانت از آرامش شهروندان، تمام تیم‌های عملیاتی و ستادی آبقا البرز در آماده‌باش ۱۰۰ درصدی قرار دارند و به‌رغم حملات مکرر با مانیتورینگ لحظه‌ای و حضور میدانی، فرایند تأمین و توزیع آب با اقتدار در جریان است و هیچ نقطه‌ای از استان با قطعی جریان آب مواجه نشده است.
مدیرعامل شرکت آبقا البرز با بیان اینکه "خدمت به ملت بزرگ ایران، مدال افتخار برای مسئولان است، تأکید کرد: کارکنان آبقا البرز در بخش‌های فنی و مهندسی باوجود خطرات موجود، به‌صورت شبانه‌روزی در حال رصد تجهیزات و تأسیسات و صیانت از شبکه تأمین و توزیع هستند تا پایداری خدمات مطابق با انتظارات رهبری و شأن مردم عزیز البرز حفظ شود.

نامداری در پایان ضمن درخواست از شهروندان برای استمرار مدیریت مصرف آب در این شرایط حساس کنونی، خاطرنشان کرد: سامانه ۱۲۲ به‌صورت ۲۴ ساعته آماده دریافت گزارش‌های مردمی است.

#### اسنان |

### آمادگی‌های حوزه بهداشت و درمان سمنان

# افزایش ساعت‌کاری درمانگاه‌ها تا تقویت اورژانس

دهقانی - بخش بهداشت و درمان از تأمین شیرخشک و داروهای

مربوط به بیماران خاص گرفته تا دریافت خدمات درمانی و نظارت بر سلامت مواد غذایی از دغدغه‌های مهم شهروندان در شرایط جنگی است. سخنگوی دانشگاه علوم‌پزشکی خدمات بهداشتی و درمانی استان سمنان از موجودی داروها، تداوم فعالیت پلی‌کلینیک‌های تخصصی و افزایش ساعت کاری مراکز بهداشت، برای خدمت به مردم، مسافران و مهمانان خبرداد.

سخنگوی دانشگاه علوم‌پزشکی خدمات بهداشتی و درمانی استان سمنان گفت: شهروندان در صورت مشکل در بخش بهداشت و درمان می‌توانند طی تماس با سامانه تلفنی ۱۹۰ مشکلات را برای پیگیری گزارش کنند.
**تقویت ناوگان آمبولانس**

یحیایی بیان کرد: هفت ناوگان جدید آمبولانس در سال ۱۴۰۴ به دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان اختصاص یافت که ۲ ناوگان به تازگی اضافه شد و تقویت ناوگان نقشی مهم در ارائه خدمات مطلوب دارد. سخنگوی دانشگاه علوم‌پزشکی خدمات بهداشتی و درمانی استان سمنان با اشاره فعال خدمات بهداشتی بی‌وقفه در جریان نشست‌های متعدد مدیریت بحران تشکیل و زیرساخت‌های

تجهیزاتی و عمرانی بررسی شد تا انجام خدمت‌رسانی با کمترین مشکل در صورت بروز بحران ارائه شود و همچنین سامانه عملیات بحران در دانشگاه علوم‌پزشکی استان سمنان فعال است تا خدمت‌رسانی به نحوه مطلوب ارائه شود.

#### اردبیل |

## فرصت سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی استان اردبیل فراهم است

سعادتی - رئیس سازمان جهاد کشاورزی اردبیل گفت: وجود ۴۰ هزار هکتار باغ میوه در این استان فرصت ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی را فراهم کرده و بستر مناسبی برای ورود سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی برای ایجاد افزوده است.
علی‌حسین احدی عالی با بیان اینکه این استان به‌عنوان قطب کشاورزی و دامپوری کشور ظرفیت‌های بی‌نظیری برای جذب سرمایه دارد، افزود: استان اردبیل با داشتن تنوع اقلیمی خاص و منحصربفرد، کشت و صنعت‌های مغان و پارس، دشت‌های حاصلخیز اردبیل، مغا و مدگیس‌شهر، ۷۷۸ هزار هکتار اراضی دیم و آبی، ۱۳۰ هزار بهره‌بردار فعال و حدود چهار میلیون واحد دام و سدهای یامچی، سیلان، خداقوین و عمارت ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای ایجاد صنایع تبدیلی دارد.
رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان اردبیل اظهارکرد: در شرایط کنونی، بیکاری بالا و حجم پایین سرمایه‌گذاری درکشورکارهای پایدار و مبنی بر مزیت‌های اقتصادی و انسانی مشکل اصلی اقتصاد استان است و جذب سرمایه و ورود سرمایه‌گذاران برای ایجاد صنایع تبدیلی می‌تواند بخش مهمی از مشکلات یاد شده را برطرف کند.
صنور ۲۹۰ پروانه بهره‌برداری

#### سیستان و بلوچستان |

# اهدای خون در بحبوحه جنگ

تعدادی از اعضای سازمان های مردم نهاد سیستان و بلوچستان در اقدامی خودجوش و هماهنگ بخشی از خون خود را اهدا کردند.

استان سیستان و بلوچستان حدود سه هزار و ۵۰۰ بیمار مبتلا به تالاسمی دارد که روزانه برای این جمعیت، هزاران واحد خون نیاز است. به این جمعیت نیازمند به خون، آمار بیماران هموفیلی و صدومتان تصادفات نیز افزوده می‌شود.

در روزهای اخیر و در شرایط جنگی حاکم بر کشور که انتقال خون بین شهرها و استان های کشور با محدودیت روبه‌روست، نیاز به تأمین خون و فرآورده های خونی از داخل استان افزایش یافته است. در همین راستا، جمعی از سازمان های مردم نهاد استان با همراهی اعضای خود و در اقدامی هماهنگ با مراجعه به مراکز انتقال خون، بخشی از خون خود را به بیماران استان اهدا کردند تا ضمن تأمین بخشی از نیاز بهداشتی و درمانی استان در شرایط جنگ، جلوه ای از افتخارداری سازمان های مردم نهاد در ایجاد همبستگی اجتماعی را به نمایش بگذارند.



#### پیام ایران

#### خوزستان |

## مدیریت علمی چرای دام

## راهبردی برای کاهش تلفات دامی

عامری - محقق مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان با تأکید بر اینکه بخش عمده تلفات دامی ناشی از خطاهای مدیریتی در چرای دام است گفت: شناخت دقیق گیاهان سمی ونحوه اثر آن‌ها بر دام، مهم‌ترین گام در کاهش خسارات اقتصادی دامداران است.

مرضیه قمشیون اظهار کرد: بخش عمده مسمومیت‌های دامی زمانی رخ می‌دهد که دام زودتر از موعد وارد مرتع شود گرسنه باشد یا در شرایط کم‌آب و عناصر معدنی چراکند به همین دلیل مدیریت علمی چرا شامل جلوگیری از چرای زودهنگام، پرهیز از ورود دام‌های گرسنه، تأمین آب و مواد معدنی، اجرای چرای تناوبی و تنظیم زمان چرا بر اساس مرحله رشد گیاهان، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تلفات دارد.

او افزود: افزایش آگاهی بهره‌برداران، اصلاح شیوه‌های سنتی چرا و به‌کارگیری مدیریت علمی مرتع، علاوه بر کاهش خسارات مالی دامداران، به حفظ تعادل اکولوژیک مرتع و پایداری تولید دامی کشور کمک خواهد کرد.

این پژوهشگر بیان کرد: هر گیاهی که مصرف آن موجب بروز آثار غیرعادی، اختلالات رفتاری یا آسیب‌های جسمی در انسان و دام شود در زمره گیاهان سمی قرار می‌گیرد؛ این گیاهان ممکن است از طریق تغذیه، تماس پوستی یا حتی استنشاق، اثرات زین‌باب‌زایجاد کنند و موجب مسمومیت‌های داخلی، حساسیت‌های پوستی و تنفسی یا اختلالات عصبی شوند.

#### مدیرکل کار بوشهر:

# جنگ تحمیلی مانع از فعالیت واحدهای تولیدی استان نشده است

ماندانیان - مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر با تأکید بر شرایط خاص اقتصادی کشور گفت: واحدهای تولیدی این استان به‌عنوان سنگر وظ مقدم دفاع اقتصادی کشور فعال هستند

مرتضی پروانه در حاشیه بازدید از شرکت‌های تولیدی در منطقه ویژه اقتصادی بوشهر افزود: در شرایط جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی، کارگران و تولیدکنندگان در خط مقدم دفاع از اقتصاد کشور قرار دارند و دستگاه‌های اجرایی باید پشتیبانی واقعی از آنان داشته باشند.

او یادآور شد: حضور در واحدهای تولیدی نوعی همدلی با جبهه تلاش و مقاومت اقتصادی است و نشان می‌دهد مدیران در کنار کارگران و فعالان تولید ایستاده‌اند.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر ادامه داد: همان‌گونه که در دوران ۸ سال دفاع مقدس رزمندگان از مرزهای کشور دفاع کردند، امروز در جنگ رمضان و حمله آمریکاایی - صهیونی به میهن اسلامی کارگران، کارفرمایان و مدیران تولید با تلاش و ایستادگی از مرزهای اقتصادی کشور پاسداری می‌کنند.

پروانه تصریح کرد: جنگ امروز جنگ اقتصادی است و در این میدان هر واحد تولیدی یک سنگر و هر نیروی کار یک رزمنده محسوب می‌شود.

او گفت: وظیفه دستگاه‌های مسئول در این شرایط، حضور

پروانه افزود: در بازدید از شرکت‌های فعال در منطقه ویژه اقتصادی بوشهر، ضمن گفت‌وگو با مدیران و کارگران، مسائل مرتبط با تولید و اشتغال موردبررسی قرار گرفت و دستور پیگیری فوری برخی موضوعات صادر شد.



# ذخایر کالاهای اساسی در چهارمحال وبختیاری وضعیت مناسبی دارد

شاه وردی - رئیس سازمان جهاد کشاورزی چهارمحال وبختیاری گفت: بر اساس تمهیدات اندیشیده شده ذخایر کالاهای اساسی در بخش خصوصی و شرکت پشتیبانی امور دام استان وضعیت مناسبی دارد و پیش‌بینی می‌شود تا ۲ ماه آینده مشکلی در تأمین این کالاها در استان وجود نداشته باشد.

حسین بهرامی با اشاره به ثبات بازار در ماه‌های اخیر افزود: با تلاش‌ها و برنامه‌ریزی انجام شده هیچ تلاطم جدی در بازار چهارمحال وبختیاری مشاهده نشده و میزان کافی تأمین شده است. او اظهار داشت: در

نشست‌های مستمر با حضور معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار چهارمحال وبختیاری و اعضای قرارگاه امنیت غذایی استان، چالش‌ها ومشکلات احتمالی پیش‌بینی و برای آن‌ها راهکارهای لازم اتخاذ شده است.
رئیس سازمان جهاد کشاورزی چهارمحال وبختیاری گفت: در روزهای اخیر با همکاری اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای چهارمحال وبختیاری، روند ورود کالاهای اساسی از بنادر کشور به استان به‌صورت روزانه رصد می‌شود که این اقدام در مدیریت ذخایر و پیش‌بینی کمبودهای احتمالی بسیار مؤثر است.
او اجرای دقیق کشیک‌های نظارتی در ایام پیش‌روا ضروری دانست و یادآور شد: بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده در هر کشیک باید سه نفر حضور داشته باشند و بخش‌های نیازمند کشیک تخصصی نیز باید پیش‌بینی لازم را انجام دهند تا روند خدمات‌رسانی بدون وقفه ادامه یابد.
بهرامی در ادامه با قدردانی از عملکرد شرکت خدمات حمایتی کشاورزی در توزیع کود شیمیایی گفت: هر چند میزان توزیع کود در بسیاری از شهرستان‌های چهارمحال وبختیاری به بیش از ۱۰۰ درصد رسیده، بااین‌حال پیگیری‌های لازم برای تأمین سهمیه‌های جدید در حال انجام است. او در

خصوص بازار میوه شب عید در چهارمحال وبختیاری افزود: عرضه میوه باقیمت مناسب نقش مهمی در کنترل قیمت‌ها دارد و تلاش شده این اصل در بخش توزیع میوه شب عید رعایت شود.
بهرامی یادآور شد: برنامه‌ریزی برای فعالیت ناوایی‌های چهارمحال وبختیاری به‌صورت کشیک در ایام تعطیلات، افزایش کشتار دام پایس‌گویی به نیاز بازار و استمرار روند مناسب جوجه‌ریزی برای

تأمین مرغ در ماه‌های آینده ضروری است.
رئیس سازمان جهاد کشاورزی

مدیرکل شرکت پشتیبانی امور دام چهارمحال وبختیاری گفت: در زمان حاضر وضعیت ذخایر نهاده‌های دامی و محصولات پروتئینی استان در شرایط مطلوبی قرار دارد و آمادگی لازم برای مدیریت بازار و تأمین نیاز مصرف‌کنندگان فراهم شده است.
حمید فتح‌اللهی تأکید کرد: باتوجه‌به شرایط موجود و احتمال تداوم برخی محدودیت‌ها، برنامه‌ریزی لازم به‌منظور حفظ ذخایر راهبردی انجام شده است تا در صورت افزایش تقاضا، بازار با کمبود مواجه نشود.
او افزود: در زمان حاضر ذخایر چهارمحال وبختیاری شامل گوشت قرمز، مرغ منجمد، ذرت و کنجاله سویا در میزان مناسب تأمین شده است و آمادگی افزایش عرضه در صورت نیاز بازار وجود دارد.

## استاندار خراسان جنوبی: توسعه اشتغال روستایی باعث رونق اقتصادی و ماندگاری جمعیت می‌شود

احسانی - استاندار خراسان جنوبی گفت: توسعه اشتغال روستایی، حمایت از فارغ‌التحصیلان و حفظ اشتغال موجود باید در اولویت برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها قرار گیرد؛ چراکه این مهم به رونق اقتصادی و ماندگاری جمعیت در استان کمک می‌کند.
سیدمحمدرضا هاشمی در جلسه کارگروه اشتغال استان، اظهار کرد: توسعه مشاغل خانگی به‌ویژه در مناطق روستایی باید موردتوجه ویژه قرار گیرد این امر نه‌تنها به رونق اقتصادی کمک‌کند؛ بلکه از مهاجرت به شهرها و پدیده حاشیه‌نشینی پیشگیری می‌کند. او با بیان اهمیت آمار دقیق اشتغال، تأکید کرد: ایجاد اشتغال واقعی اولویت دارد. دستگاه‌های اجرایی باید بررسی‌های دقیق‌تری انجام دهند تا آمار ارائه‌شده با واقعیت همخوانی داشته باشد.
استاندار خراسان جنوبی یکی از ارکان مهم اشتغال‌یابی را حمایت از فارغ‌التحصیلان دانست و تصریح کرد: تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان، واحدهای فناوری و ظرفیت‌هایی همچون شهرهای خلاق می‌تواند زمینه اشتغال دانش‌آموختگان را فراهم کند. او بر حفظ فرصت‌های شغلی موجود تأکید کرد و گفت: حفظ اشتغال فعلی حتی از ایجاد اشتغال جدید اهمیت بیشتری دارد، واحدهای تولیدی نباید به دلیل مشکلات مختلف تعطیل شوند.

**درخواست از بانک‌های تسریع در پرداخت تسهیلات**

هاشمی از بانک‌های استان خواست تا در پرداخت تسهیلات اشتغال و حمایت از واحدهای تولیدی همکاری بیشتری داشته باشند و یادآور شد: در شرایط کنونی حفظ زنجیره تولید و جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی در اولویت قرار دارد

# ۷

#### بیرجند |

## استاندار خراسان جنوبی: توسعه اشتغال روستایی

## باعث رونق اقتصادی و ماندگاری جمعیت می‌شود

احسانی - استاندار خراسان جنوبی گفت: توسعه اشتغال روستایی، حمایت از فارغ‌التحصیلان و حفظ اشتغال موجود باید در اولویت برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی و بانک‌ها قرار گیرد؛ چراکه این مهم به رونق اقتصادی و ماندگاری جمعیت در استان کمک می‌کند.
سیدمحمدرضا هاشمی در جلسه کارگروه اشتغال استان، اظهار کرد: توسعه مشاغل خانگی به‌ویژه در مناطق روستایی باید موردتوجه ویژه قرار گیرد این امر نه‌تنها به رونق اقتصادی کمک‌کند؛ بلکه از مهاجرت به شهرها و پدیده حاشیه‌نشینی پیشگیری می‌کند. او با بیان اهمیت آمار دقیق اشتغال، تأکید کرد: ایجاد اشتغال واقعی اولویت دارد. دستگاه‌های اجرایی باید بررسی‌های دقیق‌تری انجام دهند تا آمار ارائه‌شده با واقعیت همخوانی داشته باشد.
استاندار خراسان جنوبی یکی از ارکان مهم اشتغال‌یابی را حمایت از فارغ‌التحصیلان دانست و تصریح کرد: تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان، واحدهای فناوری و ظرفیت‌هایی همچون شهرهای خلاق می‌تواند زمینه اشتغال دانش‌آموختگان را فراهم کند. او بر حفظ فرصت‌های شغلی موجود تأکید کرد و گفت: حفظ اشتغال فعلی حتی از ایجاد اشتغال جدید اهمیت بیشتری دارد، واحدهای تولیدی نباید به دلیل مشکلات مختلف تعطیل شوند.

**درخواست از بانک‌های تسریع در پرداخت تسهیلات**

هاشمی از بانک‌های استان خواست تا در پرداخت تسهیلات اشتغال و حمایت از واحدهای تولیدی همکاری بیشتری داشته باشند و یادآور شد: در شرایط کنونی حفظ زنجیره تولید و جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی در اولویت قرار دارد

# سازمان

روزنامه

#### اخبار

## پرداخت بخشی

## از مطالبات پیمانکاران

## نهضت ملی مسکن

شهرکرد، شاهرودی - مدیرکل راه و شهرسازی چهارمحال وبختیاری گفت: از آغاز جنگ رمضان و تجاوز رژیم تروریستی آمریکایی - صهیونیستی به ایران تاکنون، یک هزار و ۲۸۰ میلیارد از مطالبات پیمانکاران حوزه نهضت ملی مسکن در استان پرداخت شده است.
به نقل از اداره کل راه و شهرسازی چهارمحال وبختیاری، سید احسان حسینی با اعلام این خبر افزود: این پرداختی‌ها مربوط به محله‌های ۳۴، ۴۱، ۴۲ و ۴۳ است. او اظهار داشت: باتوجه‌به تأکید وزیر راه و شهرسازی نسبت به فعال بودن پروژه‌های نهضت ملی مسکن، این اطمینان خاطر به مردم داده می‌شود که پروژه‌های نهضت ملی مسکن در سطح استان در حال فعالیت و تکمیل هستند.

مدیرکل راه و شهرسازی چهارمحال وبختیاری در ادامه از پیشرفت عملیاتی این پروژه‌ها خبر داد و گفت: همان‌طور که طی روزهای گذشته ۴۰ نفر دیگر از متقاضیان نهضت ملی مسکن شهرکرد در محله ۳۴ منظره انتخاب واحد انجام دادند؛ روند انتخاب و تخصیص واحدا همچنان ادامه دارد.

حسینی ادامه داد: باوجود شرایط جنگی کشور، وزارت راه و شهرسازی بر تداوم فعالیت پروژه‌های مسکن ملی تأکید ویژه‌ای داشته و این امر نشان‌دهنده عزم قوی دولت برای ساماندهی و تحقق اهداف مسکن ملی است.

#### وضعیت مطلوب

## پرداختی‌های کارگری در

## استان بوشهر

ماندانیان - معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر با تأکید بر اولویت صیانت از حقوق کارگران گفت: حمایت از جامعه کارگری، پیگیری پرداخت به‌موقع مطالبات و ساماندهی فعالیت شرکت‌های پیمانکاری از مهم‌ترین رویکردهای مدیریت استان در حوزه کار و تولید است.

احسان جهانبان در نشست کمیسیون کارگری استان بوشهر با تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبریک انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضور آحاد شهروندان در

میدان آزادی در روزهای مبارک از مهم‌ترین رویکردهای احسان جهانبان در نشست کمیسیون کارگری استان بوشهر با تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبریک انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضور آحاد شهروندان در

میدان آزادی در روزهای مبارک از مهم‌ترین رویکردهای احسان جهانبان در نشست کمیسیون کارگری استان بوشهر با تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبریک انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضور آحاد شهروندان در

میدان آزادی در روزهای مبارک از مهم‌ترین رویکردهای احسان جهانبان در نشست کمیسیون کارگری استان بوشهر با تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبریک انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضور آحاد شهروندان در

میدان آزادی در روزهای مبارک از مهم‌ترین رویکردهای احسان جهانبان در نشست کمیسیون کارگری استان بوشهر با تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبریک انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضور آحاد شهروندان در

میدان آزادی در روزهای مبارک از مهم‌ترین رویکردهای احسان جهانبان در نشست کمیسیون کارگری استان بوشهر با تسلیت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و تبریک انتخاب آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به‌عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران، حضور آحاد شهروندان در

## تلاش برای ارتقای

## طرح‌های هادی روستایی

## سیستان و بلوچستان

سیستان و بلوچستان، عباس‌نژاد - استاندار سیستان و بلوچستان گفت: باوجود محدودیت منابع و پرلاندگی روستاها، روند اجرای طرح‌های هادی روستایی در استان شتاب گرفته و بر اساس سند توسعه، دستیابی به متوسط‌کشوری در این شاخص هدف‌گذاری شده‌است.

منصور بیجار در مراسم افتتاح طرح‌های آسفالت روستایی در روستای زیارتگاه، با تسلیت شهادت جمعی از هم‌وطنان و امرای نظامی و انتظامی در جریان جنگ اخیر از تلاش دستگاه‌های اجرایی به‌ویژه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در حوزه توسعه و عمران روستایی قدردانی کرد.

او با اشاره به اقدامات انجام شده در سال جاری اظهار کرد: با همراهی معاونت عمرانی استانداری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و همکاری بنیاد مسکن، گام‌های مؤثری در اجرای طرح‌های هادی روستایی برداشته شده‌است.

استاندار سیستان و بلوچستان با بیان اینکه این استان همچنان با متوسط‌کشوری در اجرای طرح‌های هادی فاصله دارد، افزود: بخشی از این فاصله ناشی از محدودیت منابع، پرلاندگی بالای روستاها و هزینه‌های بالای اجرای پروژه‌هاست، بااین‌حال طی سال‌های اخیر با همراهی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استفاده از ظرفیت دهیاری‌ها و همکاری اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، روند اجرای طرح‌ها شتاب گرفته‌است.

خبرگزاری

روایت یک انفجار در حوالی خیابان طالقانی تهران

همه چشم انتظار «ملیکا» بودند



هیچ جنگی نیست که از آن غریزناظران در امان باشند. هیچ جنگی بدون آوارگی و ویرانی نیست. از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، چندین و چند ساختمان مسکونی در تهران ویران شده‌اند و هر روز به شمار غریزناظران مجروح و کشته‌شده اضافه می‌شود. این گزارش روایتی است از یکی از ساختمان‌های مسکونی در خیابان طالقانی، در کوچه‌ای به نام ملک‌الشعرايي بهار که روز دوشنبه، ۲۵ اسفندماه، در اثر انفجار آوار شد و حالا جایش را تلی از خاک و اطرافش را خانه‌های شیشه‌شکسته و ماشین‌های مجاله‌شده گرفته است.

اصدف سرداری

روزنامه‌نگار



دیدگاه

زنان، جنگ و کار خانگی

اطاهره جوکرش

پژوهشگر اجتماعی و فعال حوزه زنان



سالمندان، مدیریت عاطفی خانواده و دیگر فعالیت‌های روزمره‌ای است که بقای زندگی اجتماعی را تضمین می‌کنند. با وجود اهمیت حیاتی این فعالیت‌ها، اغلب بدون دستمزد باقی می‌مانند و در ساختارهای اقتصادی کمتر به رسمیت شناخته می‌شوند.

جامعه‌شناس آلمانی، «نوربرت ایلاس»، نیز بر این باور است که جنگ‌ها نه تنها ساختارهای سیاسی، بلکه الگوهای زندگی روزمره، روابط خانوادگی و تقسیم کار در جامعه را دگرگون می‌کنند. هنگامی که شرایط عادی زندگی مختل می‌شود، بسیاری از وظایفی که پیش‌تر توسط نهادهای اجتماعی انجام می‌شد، مانند آموزش، مراقبت با ارائه خدمات عمومی به درون خانواده منتقل می‌شوند. در شرایط کنونی ایران نیز با تعطیلی مدارس و مهدکودک‌ها و اختلال در بسیاری از خدمات عمومی، بویژه خدمات درمانی، بخش بزرگی از این وظایف به خانه منتقل شده و فشار آن بر زنان چند برابر می‌شود. در چنین وضعیتی، زنان تنها مدیریت خانه را برعهده ندارند؛ آنها ناگزیر نقش‌های تازه‌ای نیز برعهده می‌گیرند: سرگرم کردن و آموزش کودکان، آرام کردن اعضای خانواده در برابر اضطراب و ترس و حفظ نظم روزمره در دل بی‌ثباتی. جنگ نه تنها حجم کار را افزایش می‌دهد، بلکه فشار اقتصادی، روانی و عاطفی آن را نیز سنگین‌تر می‌کند. در شرایطی که آینده نامعلوم است، خانه باید به پناهی امن و فضایی پابنايت تبدیل شود و این بازسازی امنیت اغلب به دست زنان انجام می‌شود، بی‌آنکه چندان دیده شود.

بار پنهان جنگ بر دوش زنان

جنگ تنها یک رویداد نظامی نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که با ساختارهای اجتماعی و جنسیتی نیز پیوند دارد. جنگ را معمولاً مردان آغاز می‌کنند، اما ادامه حیات در زمان جنگ اغلب بر دوش زنان قرار می‌گیرد. اگرچه جنگ در بسیاری از موارد به‌عنوان پروژه‌ای مردانه سازماندهی می‌شود، اما پیامدهای روزمره آن به‌طور نابرابر بر زندگی زنان فرود می‌آید.

سیسیلیا انلو، نظریه‌پرداز و تحلیلگر جنسیت و نظامی‌گری، نشان می‌دهد زنان در تمامی ساختارهای نظامی و جنگی نقش‌هایی حیاتی، اما نادیده دارند و حتی زمانی که سیاست و جنگ توسط مردان هدایت می‌شود، «هزینه واقعی» اجتماعی و اقتصادی جنگ را زنان می‌پردازند. «کارول کون»، پژوهشگر جنسیت و گفتمان امنیت و جنگ، نیز تأکید می‌کند زنان جنگ و گفتمان نظامی اغلب زنان را نامرئی می‌کند؛ درحالی‌که آنان

نقش اساسی در بازتولید زندگی روزمره و مراقبت از خانواده دارند. از این رو، تحلیل‌های رسمی جنگ که جنسیت را نادیده می‌گیرند، تصویری ناقص از پیامدهای اجتماعی و انسانی آن ارائه می‌دهند.

نقش زنان در خانه در شرایط جنگ، نقشی حیاتی اما پدید است. تجربه جنگ ایران و عراق نشان می‌دهد زنان نه تنها مدیریت خانه و برعهده داشتند، بلکه در بیرون از خانه نیز فعالیت‌های مهم حمایتی، اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی انجام می‌دادند. با این حال، در روایت‌های رسمی و گفتمان‌های نظامی، حضور و تلاش‌های آنان به‌ندرت ثبت شده است؛ زنان در جنگ‌ها غالباً بی‌چهره و نامرئی باقی می‌مانند.

کار خانگی و جنگ: تجربه زنان در کشورهای مختلف

مطالعات تجربه جنگ‌های دیگر نیز نشان می‌دهد در زمان بحران‌های نظامی، بار کار خانگی و مراقبتی زنان به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد. برای نمونه، در جریان جنگ بوسنی (۱۹۹۲-۱۹۹۵)، بسیاری از شهرها ماه‌ها در محاصره بودند و خانواده‌ها در خانه‌ها یا پناهگاه‌ها زندگی می‌کردند. زنان علاوه بر مراقبت از کودکان و سالمندان، مسئول تأمین غذا با منابع محدود، مدیریت زندگی چند خانواده در یک فضای مشترک و حفظ حداقلی از نظم روزمره بودند. در بسیاری از موارد، آنها ناچار بودند برای تهیه آب و سوخت از خانه خارج شوند، در صف‌های طولانی بایستند و از مناطق ناامن عبور کنند. از بیماریان و مجروحان پرستاری کنند و در غیاب مردان بخشی از تأمین معیشت خانواده را برعهده بگیرند.

نمونه‌ای مشابه در جریان جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰) دیده شد. تخریب زیرساخت‌ها و ناامنی گسترده باعث شد بسیاری از خدمات عمومی دچار اختلال شود. در این شرایط، زنان در محله‌ها و شبکه‌های خویشاوندی نقش کلیدی در ایجاد شبکه‌های غیررسمی مراقبت و حمایت ایفا کردند؛ از پخت‌وپز گروهی گرفته تا نگهداری از کودکان چند خانواده در یک خانه. افزون‌براین، بسیاری از زنان مسئولیت تأمین یا مدیریت اقتصاد خانواده را برعهده گرفتند و برخی در گروه‌های مدنی و ابتکارهای محلی برای کاهش تنش‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی فعال شدند.

در سال‌های اخیر نیز در جریان تهاجم روسیه به اوکراین (۲۰۲۲ تاکنون)، با تعطیلی موقت مدارس در مناطق ناامن، جابه‌جایی جمعیت و حضور بسیاری از مردان در جبهه‌های جنگ، زنان بار بزرگی از مدیریت زندگی روزمره را بر دوش گرفته‌اند. بسیاری از زنان اوکراینی علاوه بر مراقبت از خانواده، مسئول آموزش کودکان در خانه، تأمین مایحتاج و مدیریت خانواده‌های گسترده هستند. افزون‌براین، آنها بخش بزرگی از کارهای مراقبتی غیررسمی، از جمله مراقبت از کودکان دیگر اعضای



پیام ما دیروز

بود. همه مردم به امید اینکه او پیدا شده، آمدند سمت ساختمان و پشت نوارهای زرد ایستادند. امدادگران با یک کیسه مشکی برگشتند. صدای گریه‌های بلند در هوا دوباره پیچید. ملیکا بعد از پنج ساعت جست‌وجوی بی‌وقفه، زنده نمانده بود.

نیروهای امدادگر هیچ آماری از تلفات دیگر این ساختمان نمی‌دادند. هیچ‌کدام از خانه‌های اطراف قابل‌سکونت نبودند و عده‌ای داشتند خانه‌هایشان را ترک می‌کردند. گفته می‌شود نیروهای امدادگر به خانه کسانی که می‌خواستند بمانند، می‌رفتند و به‌جای شیشه‌های شکسته پلاستیک می‌کشیدند تا ساختمان قابل‌سکونت باشد.

آواربرداری تا ساعت ۷:۳۰ شب هم تمام نشد. تمام روز به پیدا کردن ملیکا گذشت، حتی خبری از جسم بی‌جان پدر ملیکا هم نبود. در تاریکی هوا خواهرش به جست‌وجوی پدر در کوچه فریاد می‌زد: «بابا تو رو به خدا بیا بیرون...». شب، در کوچه ملک‌الشعرايي بهار تاریک‌تر از هر شب دیگری بود.

ماشینش عاقبت توانست آن را پیدا کند. تا ساعت ۳ بعدازظهر امدادگران چندین جنازه برده بودند، اما همسایه‌ها جمع شده بودند و از دختری ۱۷ساله حرف می‌زدند که هنوز زنده است: «ملیکا».

پیام از زیر آوار

حدود نیم‌ساعت بعد از انفجار ملیکا از زیر آوار به خانواده‌اش پیامی می‌فرستد. چیزی نوشته، فقط چند ایموجی فرستاده که احتمالاً به‌دلیل شرایط زیر آوار امکان نوشتن نداشته. خانواده‌اش می‌فهمند که او زنده مانده. در خانه‌شان پدرش و کودکی دیگر که احتمالاً خواهر یا برادر کوچکتر است، هم حضور داشتند. سگ‌های زنده‌یاب رفتند به سراغ نشانی از او. شاید حدود ۷-۸ نفر نیروی هلال‌احمر حضور داشتند و همان شاهد عینی می‌گویند یکی از شلوغ‌ترین جمعیت‌های حضور هلال‌احمر و آتش‌نشانی بوده که به چشمش دیده همه همسایه‌ها از تمام کوچه‌های اطراف جمع شده بودند؛ بیش از صد نفر آدم. شنیده بودند دختری زنده از زیر آوار دارد پیام می‌دهد. فامیل‌ها و دوستانش یکی‌یکی می‌رسیدند و با دیدن خانه فرو ریخته صدای چیغ بود که در میان صدای آواربرداری لو‌در شنیده می‌شد. مادرش طاقت نیاورد و او را بردند.

نیروهای امدادگر حتی یک تابه هم بی‌کار نبودند و در نقطه‌ای که سگ نشان داده بود، به‌دنبال ردی از ملیکا می‌گشتند. هرچند که زیر لپ می‌گفتند احتمال زنده‌ماندن او اندک است؛ چراکه هیچ راه تنفسی در آن زیر نیست. بعد از پیامی که فرستاده بود، دیگر گوش‌اش را جواب نمی‌داد. هیچ‌کس باورش نمی‌شد خانه این‌طور ریخته است و از زیر آوار است. می‌گفتند شاید گوش‌اش خراب شده و زنده است. همه چشم‌انتظار ملیکا بودند.

ساعت ۵ عصر

آواربرداری محلی که احتمالاً ملیکا در زیر آن بود، پنج ساعت طول کشید. تا ساعت ۵ عصر که صدای لو‌در خاموش شد، دو نفر از امدادگران، دو نفر رفتند به سمت نقطه‌ای که لو‌در کنده

در کنار فشارهای ناشی از جنگ و بی‌ثباتی امنیتی، ناپایداری اقتصادی و افزایش قیمت اقلام غذایی، زنان مجبور می‌شوند استراتژی‌های پس‌انداز و ملاحظات مالی و مدیریت منابع را در خانه عملی کنند. بسیاری از کالاهای پیش‌تر به‌صورت نیمه‌آماده یا آماده خریداری می‌شد، مانند سبزیجات پاک‌شده، حبوبات بسته‌بندی یا مرغ خردشده، به‌دلیل گرانی بی‌سابقه دیگر مقرون‌به‌صرفه نیست و بسیاری از خانواده‌ها توان خریدشان را ندارند. در نتیجه، بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند تا حد امکان خودشان در خانه مواد غذایی را به‌صورت دست‌ساز و خانگی آماده، ذخیره و نگهداری کنند تا هزینه‌ها را در زمان جنگ مقداری کنترل کنند. چنین تصمیماتی، نه تنها زمان و انرژی بیشتری از زنان می‌گیرد، بلکه بخشی از اقتصاد نامرئی خانواده در شرایط جنگ محسوب می‌شود و نقش حیاتی زنان در تأمین بقا و حفظ حداقل نظم زندگی را برجسته می‌کند. حتی در شرایطی که رفت‌وآمد برای خرید و تأمین مایحتاج، خطرناک و ناایمن شده و قدرت خرید بسیاری از خانواده‌ها کاهش یافته و حضور در محل کار محدود و یا متوقف شده است، این افزایش بار کاری به‌شکل مستقیم به زنان تحمیل می‌شود. این تجربه‌ها نشان می‌دهد در شرایط جنگ و بحران، کار خانگی و بازتولیدی زنان نه تنها افزایش می‌یابد، بلکه پیچیده‌تر، چندلایه‌تر، طاقت‌فرسا و به‌شدت فرسایشی می‌شود. در جنگ‌ها خانه خود به میدان نبردی خاموش تبدیل می‌شود و زنان ستون زندگی و حافظ حداقل نظم اجتماعی‌اند.



ایستنا

اطلاعات رسانه‌ای

بیعت خانواده بزرگ گل‌گهر با حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

پیام کارگران، کارکنان و مدیران منطقه معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان به مناسبت انتخاب سومین رهبر معزز انقلاب اسلامی:

بسم الله الرحمن الرحيم

ضمن عرض تسلیت شهادت جانسوز رهبر شجاع و مدبر ایران به ملت شریف و همواره در صحنه و سپاس از خدای متعال به خاطر مجاهدت‌های خالصانه و ایستادگی مقتدرانه و متحدانه تمامی ارکان نظام در برابر دشمن خصم؛ تصمیم آگاهانه و تاریخی مجلس خبرگان در انتخاب و انتصاب فرزند خلف رهبر شهید، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی را در این برهه حساس، ارج نهاده و صمیمانه تبریک می‌گوییم.

امروز ما در خانواده بزرگ و پرتلاش گل‌گهر، درد این فراق را به اراده‌ای پولادین تبدیل کرده و با رهبر جدید خود هم‌قسم می‌شویم و پیمان می‌بندیم که تا آخرین نفس، گوش به فرمان ولی امر، با کار شبانه‌روزی، در سنگر تولید برای رونق اقتصاد و سربلندی ایران عزیز دست از تلاش بر نخواهیم داشت.

کارگران، کارکنان و مدیران

منطقه بزرگ معدنی و صنعتی گل‌گهر سیرجان

